

## مسئولیت مدنی و کیلیا نماینده در صدور چک پرداخت نشدنی

یوسف درویشی هویدا\*

استادیار حقوق خصوصی، گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده: «در صدور سند تجاری از طریق نمایندگان و کالت، چک از لحاظ نوع و دامنه مسئولیت از دو سند تجاری دیگر یعنی سفته و برات و هم چنین از قواعد کلی حاکم بر نمایندگی که طبق آن آثار و اعمال ناشی از نمایندگی متوجه منوب عنه می شود نه نماینده فاصله می گیرد. از جمله امتیازات خاصی که قانون گذار در مورد چک در مقایسه با اسناد تجاری دیگر قائل گردیده است پیش بینی مسئولیت کیفری و مدنی نماینده ها و کیلیی است که با اختیار حاصل از نیابت، چک پرداخت نشدنی را صادر نموده است. با این حال امتیاز یاد شده گاه در رویه قضایی ما نادیده گرفته می شود. رای مورد نقد یکی از این نمونه آراء است که با تمسک نابه جا بر جدایی شخصیت اشخاص حقوقی از شخصیت مدیران آنها، برخلاف نص قانون، نماینده شخص حقوقی را از مسئولیت مدنی در صدور چک بلامحل معاف ساخته است.»

واژگان کلیدی: وکیل، نماینده، چک، مسئولیت، نمایندگی.

### متن رأی

در دادنامه شماره ۴۷۴ مورخ ۱۳۸۲/۶/۱۰ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مضبوط در پرونده شماره ۱۵۷/۱۸/۸۲ چنین آمده است:

«اعتراض آقای محسن ... نسبت به دادنامه شماره ۱۴۵۰ - ۱۳۸۱/۴/۱۵ صادره از شعبه ۱۳۰۴ دادگاه عمومی تهران که بر محکومیت تجدیدنظرخواه به پرداخت اصل خواسته و هزینه دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه اشعار دارد وارد است، زیرا حسب گواهی عدم پرداخت بانک رفاه کارگران شعبه ... چک شماره ۷۶۷۲۸۹ - ۸۰/۲/۱ از حساب جاری ... شرکت ... صادر گردیده صاحب حساب در واقع شرکت ... است نه تجدیدنظرخواه و با توجه به این که مطابق قانون تجارت شخصیت اشخاص حقوقی مستقل و جدا از مدیران و اعضای آن می‌باشد و با توجه به این که مسئولیت کیفری امضاءکننده چک ملازمه با مسئولیت مدنی وی ندارد. بنابراین، دعوی توجیهی به تجدیدنظرخواه ندارد و رای تجدیدنظرخواسته به دلایل مذکور مغایر با موازین قانونی است. با استناد به صدر ماده ۳۵۸ و مواد ۸۴ و ۸۴ قانون مزبور رأی معترض عنه نقض و قرار رد دعوی خواهان صادر و اعلام می‌شود.»

### شرح موضوع

چکی توسط مدیر شرکت از حساب شرکت صادر می‌شود، دارنده چک به بانک مراجعه و به علت عدم موجودی گواهی عدم پرداخت را اخذ می‌نماید. سپس، بر اساس همین گواهی، محکومیت صادرکننده چک به پرداخت وجه چک را درخواست می‌نماید. دادگاه بدوی نیز حکم به محکومیت صادرکننده می‌دهد اما دادگاه تجدیدنظر حکم فوق را نقض می‌کند.

## مسائل شکلی

### مسائل ماهوی

اصل این است که اشخاص، اعمال حقوقی را به نام و حساب خود و به عنوان اصیل به عمل می‌آورند. با این حال، قانون اجازه داده است در همه اعمال حقوقی، جز آنچه مباشرت در آن شرط است قالب «نیابت» امکان اقدام به شخص غیر اصیل را اعطاء نماید.<sup>۱</sup> بدین سان نمایندگی عنوان یا رابطه‌ای است که بر مبنای آن، شخص اقدام به انجام عملی حقوقی به نام شخص دیگر، به حساب او و به منظور تامین اهداف او می‌نماید (مانند وکیل و موکل)<sup>۲</sup> هم چنان که وکیل به عنوان نماینده قراردادی<sup>۳</sup> و به وکالت از موکل خود اعم از این که شخص حقیقی باشد یا حقوقی، اختیار صدور اسناد تجاری را دارد. مدیران شرکت‌های تجاری و نیز مدیران اشخاص حقوقی غیر تجاری به عنوان نماینده قانونی می‌توانند اقدام به صدور چک یا سایر اسناد تجاری نمایند. در عمل نیز صدور سند تجاری از طرف غیر اصیل و به نمایندگی از اشخاص دیگر زمانی مصداق پیدا می‌کند که مدیر یک شخص

---

۱. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ص ۵۳.

۲. شمس، آیین دادرسی مدنی، ص ۳۰۱.

۳. نمایندگی بر حسب مینا و سبب آن و به تعبیر ساده‌تر بر حسب منشاء اختیار نماینده گاه قانونی (قانونی به مفهوم اخص) است مانند نمایندگی پدر و جد پدری بر فرزند یا نمایندگی وزرا و رؤسای سازمان‌ها و مدیران شرکت‌ها. گاه نمایندگی، به اعتبار اینکه رای دادگاه منشأ اعطای اختیار به نماینده است نمایندگی قضایی خوانده می‌شود مانند نمایندگی قیم از صغیر یا مجنون تحت قیمومت یا نمایندگی امین یا جنین غایب مفقودالاثر. گاه نیز نمایندگی جنبه قراردادی دارد و اراده منوب عنه است که به نماینده اختیار اقدام اعطاء می‌کند. وکالت مصداق اصلی قسم سوم نمایندگی است. بنابراین وکالت یکی از اقسام نمایندگی است و نمایندگی در معنای عام خود، وکالت را نیز در بر می‌گیرد. ر.ک: (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۱۳۷۶، ص ۵۵؛ شمس، آیین دادرسی مدنی، ص ۳۰۲).

حقوقی (شرکت تجاری، موسسه غیرانتفاعی و امثال آن) به نام و به حساب شرکت، مبادرت به صدور سند تجاری می‌نماید.<sup>۴</sup>

هر چند «در قانون مدنی، قواعد نمایندگی در کلیات قراردادها نیامده است لیکن عقد وکالت حاوی احکامی است که بر همه اقسام نمایندگی حکومت دارد: اثر قراردادی که به وسیله نمایندگان اشخاص بسته می‌شود به طور مستقیم عاید خود آنان است و وکیل نقش واسطه را دارد. عقد را او می‌بندد، ولی آثار عقد به موکل می‌رسد.»<sup>۵</sup> این حکم کلی یعنی دامن‌گیر نشدن آثار عمل حقوقی بر وکیل بنا بر قانون حاکم در مورد چک شکل و ویژگی خاصی پیدا کرده است. گاه در رویه قضایی ما با تبعیت از حکم کلی، حکم خاص قانونی به بوته فراموشی سپرده می‌شود و در نتیجه آراییی خلاف قانون تکلیف دعوای طرفین را مشخص می‌سازد.

باید توجه داشت که برخلاف سفته و برات که مقررات حاکم بر آنها در قانون تجارت بیان شده است مقررات حاکم بر چک، تابع دو قانون قرار دارد. یکی قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و دیگری قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی است که در رسیدگی‌های قضایی مربوط به چک باید هر دو قانون مدنظر قرار گیرد. قانون اخیر که بر چک‌هایی اعمال می‌شود که محال علیه آنها بانک باشد (در حال حاضر در غالب موارد محال علیه چک بانک است و در موارد استثنایی محال علیه چک، غیر بانک مانند صندوق اعتباری و موسسات قرض‌الحسنه است) چگونگی اقدام دارنده چک در طرح شکایت کیفری و امکان صدور اجرائیه ثبتی را بیان نموده است. در عین حال، همین قانون گاه از لحاظ مسئولیت حقوقی (مدنی) در بردارنده احکامی است که مورد توجه بعضی از دادگاه‌ها قرار نمی‌گیرد. ماده ۱۹ قانون صدور چک که مسئولیت تضامنی وکیل یا نماینده

۴. اسکینی، حقوق تجارت، ص ۵۹.

۵. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ۱۳۷۶، ص ۵۴.

را در صدور چک پرداخت نشدنی مقرر کرده است مصداق اصلی این احکام است. تصور قضات دادگاه‌ها مبنی بر این که قانون صدور چک، مقررات مربوط به شکایت کیفری و اجرائیه ثبتی را بیان کرده است و مقررات حاکم بر دعوی حقوقی دارنده چک را باید تنها در قانون تجارت جستجو کرد موجب بی‌توجهی به ماده ۱۹ قانون صدور چک و صدور آرای خلاف قانون گردیده است.

#### ۱. نمایندگی (وکالت) در صدور اسناد تجاری و تعیین شخص مسئول

مطابق ماده ۲۲۷ قانون تجارت: «برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود». شخصی که به دستور و حساب شخص دیگری برات یا سایر اسناد تجاری را صادر می‌کند به عنوان نماینده قراردادی (وکیل) شخص آمر اقدام می‌کند. در عین حال ممکن است صدور سند تجاری به حساب دیگری باشد اما صادرکننده بنا به اختیار حاصل از نمایندگی (قانونی یا قضایی) مبادرت به صدور سند تجاری نماید<sup>۶</sup> مانند صدور سند تجاری توسط مدیران شرکت‌ها و سایر اشخاص حقوقی که نمونه شایع صدور سند تجاری به نمایندگی است.

سوال مهمی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که در صورت صدور سند تجاری از طریق نمایندگی (وکالت) مسئولیت پرداخت برعهده منوب‌عنه قرار دارد یا نماینده؟ بعضی از نویسندگان حقوقی در پاسخ به این سؤال نماینده یا وکیل را مسئول پرداخت دانسته‌اند. با این استدلال که «روابط حقوقی بین صاحب اصلی و نماینده تأثیری

---

۶. هرچند ظاهر ماده ۲۲۷، صدور برات را به وکالت (نمایندگی قراردادی) از دیگری به ذهن متبادر می‌سازد اما نمی‌توان گفت که صدور برات (سند تجاری) از طرف نماینده قانونی یا قضایی از ماده قابل برداشت نیست. در واقع منظور از «دستور» در ماده مزبور را باید اختیار و نمایندگی داشت. بر فرض نبود ماده ۲۲۷ نیز، امکان صدور برات و سایر اسناد تجاری نیز با توسل به قواعد کلی حاکم بر وکالت (نمایندگی) وجود دارد. زیرا انجام تمامی اعمال حقوقی جز آنچه شرط مباشرت در آن وجود دارد را می‌توان از طریق نیابت به دیگری واگذار کرد.

در تعهدات شخصی که برات را صادر کرده است، ندارد و کسی که برات را امضاء کرده است اگرچه به حساب دیگری باشد در مقابل دارنده برات مسئول است.<sup>۷</sup> بعضی از نویسندگان با صراحت بیشتری، دلیل اصلی مسئول بودن نماینده را آن دانسته‌اند که در حالت صدور سند تجاری به نمایندگی نیز، صادرکننده سند که طبق قانون تجارت مسئولیت دارد، نماینده است.<sup>۸</sup>

یکی دیگر از نویسندگان با تفکیک بین دو وضعیت، حسب شخص منوب عنه، در موردی که شخصی به وکالت از شخص دیگر (شخص حقیقی) برات را مهر یا امضا می‌کند به این لحاظ که برات‌دهنده، وکیل است نه موکل، وکیل را در هر حال مسئول می‌داند اما اگر شخص حقیقی به عنوان نماینده شخص حقوقی، برات را صادر کند شخص حقوقی مسئول است نه نماینده، زیرا در این حالت «برات با دست شخص حقوقی که از آستین شخص حقیقی بیرون آمده است امضاء و داده خواهد شد و بنابراین برات‌دهنده مندرج در ماده ۲۴۹ شخص حقوقی و مسئولیت ناشی از تعهدات برواتی متوجه خود او است».<sup>۹</sup>

اما در مقابل نظر اول، دسته‌ای دیگر از نویسندگان، مسئولیت را متوجه منوب عنه می‌دانند و وکیل را زمانی مسئول می‌دانند که وکالت خود را در سند قید نکرده باشد و دارنده از صدور سند به وکالت از دیگری مطلع نبوده باشد.<sup>۱۰</sup> استدلال اصلی مبنای این نظر، عدم وجود حکم خاص در قانون تجارت و حکومت قواعد عام حقوق مدنی است که تعهدات

۷. ستوده تهرانی، **حقوق تجارت**، ص ۳۱.

۸. «کسی که به حساب دیگری برات می‌کشد، خود به عنوان برات‌کش متظاهر می‌گردد و در صورت لزوم مسئولیت در پرداخت خواهد داشت. معمولاً نام دستوردهنده مکتوم می‌ماند ولی در صورت قید آن در سند از تعهد قانونی براتکش ظاهری نمی‌کاهد» (صقری، **حقوق بازرگانی: اسناد**، ص ۷۳) و همسو با همین نظر (حسنی، **حقوق تجارت**، ص ۳۸).

۹. خزاعی، **حقوق تجارت**، ص ۴۵.

۱۰. اسکینی، **حقوق تجارت**، ص ۵۹؛ دمرچیلی، حاتمی و قرانی، **قانون تجارت در نظم حقوقی**، ص ۴۹۷.

و آثار ناشی از وکالت را متوجه موکل می‌داند.<sup>۱۱</sup> طبق نظر یکی از نویسندگان حقوق تجارت، «امضای سند توسط نماینده اصولاً منوب عنه را مسؤول می‌سازد. اما چنانچه امضاءکننده فاقد اختیار بوده و یا فراتر از اختیار عمل نماید، منطقیاً منوب عنه ادعایی که سهمی در ایجاد ظاهر قابل اعتماد نداشته، نباید مسؤول شمرده شود.»<sup>۱۲</sup>

در مقام داوری میان این دو نظر باید گفت که نظر دوم که مسئولیت را متوجه منوب عنه یا موکل می‌داند با قواعد حقوقی سازگار می‌باشد. زیرا نمایندگی و وکالت به منظور ایجاد ارتباط حقوقی بین موکل و طرف قراردادی که به وسیله وکیل انجام می‌شود، منعقد می‌گردد. در واقع عمل حقوقی بین موکل و شخص ثالث به وجود می‌آید و وکیل واسطه انعقاد آن است. به همین جهت هم چنان که ماده ۶۷۴ قانون مدنی مقرر کرده است آثار عقدی که وکیل می‌بندد دامن گیر موکل می‌شود و او است که باید مفاد آن را اجرا کند.<sup>۱۳</sup>

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۷/۱۸۷۴ مورخ ۱۳۷۶/۴/۸ خود نظری همسو با نظر اخیر ارائه کرده است. به موجب نظریه مزبور «در خصوص سفته‌ای که توسط شخص دارنده حق امضاء، به نمایندگی از طرف شرکت امضاء شده است در صورت عدم پرداخت فقط علیه شرکت می‌توان طرح دعوی نمود و وجه سفته را مطالبه کرد نه علیه شخص امضاءکننده که به نمایندگی از طرف شرکت امضاء کرده است.»

## ۲. حکم خاص چک: پیش‌بینی مسئولیت مدنی نماینده (وکیل)

هم چنان که گفته شد با توجه به عدم وجود حکم خاص در مورد اسناد تجاری، قواعد عام قانون مدنی در مورد وکالت، در نمایندگی در صدور اسناد تجاری نیز جاری است و طبق

۱۱. نیک فرجام، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱

۱۲. کاویانی، حقوق اسناد تجاری، ص ۱۴۹

۱۳. کاتوزیان، عقود معین، ۱۳۷۶، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

این قواعد نماینده یا وکیل، مسئولیتی در پرداخت سند تجاری ندارد. این حکم کلی یعنی مسؤول نبودن نماینده با سه استثناء مواجه است.

استثنای اول، فقدان نمایندگی یا تجاوز از حدود اختیار است. دومین استثناء مربوط به نمایندگی افشاء نشده است که نماینده با وجود داشتن اختیار کافی، در هنگام امضاء به نمایندگی خود تصریح ننموده و هویت خود را افشاء نکرده است. در این صورت دارنده‌ای که سند تجاری را بدون اطلاع از سمت صادر کننده دریافت کرده است حق دارد براساس ظاهر سند، وکیل را اصیل تلقی و برای پرداخت وجه سند به وی مراجعه کند.<sup>۱۴</sup>

اما سومین استثناء نمایندگی در صدور چک است.<sup>۱۵</sup> قانون‌گذار در چک، علاوه بر صاحب حساب، صادرکننده چک را نیز که چک را به وکالت یا نمایندگی از صاحب حساب صادر می‌کند مسؤول پرداخت وجه چک دانسته است. ماده ۱۹ قانون صدور چک در این زمینه مقرر می‌دارد: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسؤول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان براساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود...».

از جمله اهداف قانون‌گذار در پیش‌بینی مسئولیت وکیل یا نماینده‌ای که از طرف دیگری، اقدام به صدور چک می‌نماید لزوم رعایت دقت و احتیاط‌های لازم از سوی اشخاصی که به وکالت یا نمایندگی مبادرت به صدور چک می‌نمایند، جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در صدور چک و در مجموع افزایش ارزش و اعتبار چک قابل ذکر است. به تعبیر

---

۱۴. اسکینی، همان، ص ۵۸؛ نیک فرجام، مطالعه تطبیقی، نمایندگی در امضای اسناد تجاری، فصلنامه

دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۲، ۱۳۹۲، ص ۱۸۹

۱۵. همان، ص ۱۹۳



یکی از استادان حقوق تجارت: «هدف قانون‌گذار در وضع حکم خاص در مورد چک، از یک طرف جلوگیری از سوءاستفاده در مورد صدور و امضای چک به وکالت و نمایندگی و از طرف دیگر افزایش ارزش و اعتبار چک در بین مردم بوده است و به این وسیله خواسته است از حجم رو به گسترش صدور چک‌های بلامحل که اعتبار و حیثیت اسناد تجاری را خدشه‌دار می‌سازد، بکاهد و مردم را اعم از اصیل و وکیل به اهمیت صدور و امضای چنین سند تجاری آشنا کند».<sup>۱۶</sup>

تردید نیست که این حکم خاص در مورد چک، موجب اعتماد بیشتر بازرگانان و اشخاص غیر تاجر به چک می‌گردد و وکالت یا نمایندگی نمی‌تواند به عنوان پوششی برای فرار از مسئولیت و صدور چک‌های فاقد محل مورد استفاده قرار گیرد. فواید پیش‌بینی مسئولیت مورد بحث، علاوه بر این که در مورد اشخاصی که به وکالت از اشخاص حقیقی اقدام به صدور چک می‌نمایند، قابل طرح است، در مورد مدیران شرکت‌ها و نیز سایر اشخاص حقوقی که به عنوان نماینده قانونی شرکت یا شخص حقوقی اقدام به صدور چک می‌نمایند، این فواید محسوس‌تر است و می‌تواند به جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی کمک کند.

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در پاره‌ای از نظریات خود به مسئول بودن نماینده در کنار منوب عنه در صدور چک پرداخت نشدنی تصریح نموده است. از جمله این نظریات می‌توان به نظریه شماره ۷/۷۸۷۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۱ اشاره نمود.

در این نظریه آمده است: «در مواردی که مدیرعامل یا رئیس هیات مدیره به نمایندگی از طرف شرکت، چک را امضاء نموده و در اختیار شخص ثالث قرار داده باشند با توجه به مقررات ماده ۱۹ قانون صدور چک، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده لذا در فرض پرسش و با توجه به اصل تضامنی بودن مسئولیت

۱۶. اخلاقی، تقریرات درس حقوق تجارت ۳، ص ۲۵۴.

صادر کننده چکو صاحب حساب، دارنده چک می‌تواند علیه نامبردگان (منفرداً یا مجتمعاً) مبادرت به طرح دعوی نموده و وجه چک را مطالبه نماید.<sup>۱</sup>

مسئولیت تضامنی نماینده و منوب عنه به دارنده چک این اختیار را می‌دهد که به ترتیب دلخواه خود طرح دعوا نماید. در واقع دارنده در مراجعه به صادرکننده چک (نماینده) و صاحب حساب (منوب عنه) و نیز سایر مسئولان پرداخت چک یعنی ظهرنویس<sup>۱</sup> و ضامن ملزم به رعایت ترتیب نبوده و اقامه دعوا علیه هر یک مسقط حق رجوع به سایرین نیست.<sup>۲</sup>

### ۳. مسئولیت کیفری و کیل یا نماینده

وکیل یا نماینده شخص حقیقی یا حقوقی که به نمایندگی از شخص دیگر، اقدام به صدور چک پرداخت نشدنی<sup>۳</sup> می‌نماید نه تنها در کنار موکل یا منوب عنه، مسئولیت تضامنی دارد از لحاظ کیفری نیز مسئولیت متوجه وی است و با شکایت دارنده چک، به مجازات قانونی محکوم خواهد شد. ماده ۱۹ قانون صدور چک پس از این که حکم مسئولیت تضامنی صادرکننده چک را در کنار صاحب حساب که چک به نمایندگی از وی صادر شده است بیان می‌کند، در ادامه مقرر می‌نماید: «... به علاوه امضاءکننده چک، طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت مگر این که ثابت نماید که عدم

۱. البته در پذیرش دعوی دارنده علیه مسئولین پرداخت چک باید مهلت‌های قانونی رعایت شود. به طور خاص دعوی دارنده چک علیه ظهرنویس و ضامن ظهرنویس در صورتی مسموع است که دارنده از تاریخ چک ظرف ۱۵ روز (در حالات خاص ۴۵ روز یا چهار ماه) به بانک مراجعه و گواهی نامه عدم پرداخت ظرف مهلت یاد شده صادر شده باشد و از تاریخ صدور گواهی نامه نیز ظرف مهلت یک سال دعوی خود را اقامه نماید.

۲. کاویانی، **حقوق اسناد تجاری**، ص ۱۳۵.

۳. هم چنان که نویسندگان حقوقی ما اشاره کرده‌اند با توجه به اینکه علت عدم پرداخت چک، تنها نداشتن محل نیست و چک بنا به دلایل دیگر نیز مانند عدم مطابقت امضاء یا اختلاف در مندرجات منتهی به عدم پرداخت می‌شود به کاربردن عنوان «چک پرداخت نشدنی» که همه موارد عدم پرداخت چک را در برمی‌گیرد از عنوان «چک بلامحل» مناسب‌تر است: میرمحمد صادقی، **جرایم علیه اموال و مالکیت**، ص ۳۴۲ و ۳۴۳.

پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود». صادرکننده چک پرداخت نشدنی که به وکالت یا نمایندگی از شخص دیگر چک را صادر کرده است تنها در صورتی قابل تعقیب و مجازات نمی‌باشد که ثابت نماید عدم پرداخت قابل انتساب به وی نیست. پس اگر نماینده یا وکیل ثابت نماید که چک از لحاظ وجود محل در بانک و نیز از لحاظ شکلی (وجود مطابقت امضاء و عدم مغایرت در مندرجات و...) هیچ گونه مشکلی نداشته است و وکیل یا نماینده بعدی با اقدام خود مانع از عدم پرداخت چک شده است مسئولیتی از لحاظ کیفری متوجه وی نخواهد بود.

#### ۴. ایراد رأی مورد نقد و نگاهی به آرای مشابه

با توجه به آنچه گفته شد ایراد اصلی رأی مورد نقد این است که دادگاه تجدیدنظر استان برخلاف نص قانون (ماده ۱۹ قانون صدور چک)، مدیرعامل شخص حقوقی (شرکت تجارتي) را در صدور چک مسئول ندانسته است و رأی دادگاه بدوی را که به درستی و مطابق قانون صادر شده بوده است به اشتباه نقض نموده است. استدلال دادگاه تجدیدنظر مبنی بر اینکه «مسئولیت کیفری امضاءکننده چک ملازمه با مسئولیت مدنی وی ندارد» در این مورد خاص که قانون‌گذار در خصوص موضوع، حکم صریح مقرر کرده است دارای وجاهت قانونی نیست. اگر ماده ۱۹ قانون صدور چک، برخلاف قواعد عام نمایندگی مسئولیت تضامنی نماینده را پیش‌بینی نکرده بود، همانند نماینده یا وکیلی که اقدام به صدور برات یا سفته می‌نماید - مسئولیت مدنی صدور چک نیز تنها بر موکل یا منوب عنه تحمیل می‌شد.

مهم‌ترین امری که دادگاه تجدیدنظر استان را به نتیجه‌گیری اشتباه و صدور رای خلاف قانون، رهنمون گردیده است تکیه بر جدایی شخصیت اشخاص حقوقی از شخصیت مدیران آنهاست. تردیدی در جدا بودن شخصیت اشخاص حقوقی و از جمله شرکت‌های

تجاری از مدیران آنها وجود ندارد اما این جدایی شخصیت، مانع از مسئول شناختن مدیر شخص حقوقی در جایی که قانون‌گذار مدیر را مسئول شناخته است، نخواهد بود. در برابر رای مورد نقد، گاه آرای از دادگاه‌های تجدیدنظر استان صادر شده است که استنباط نادرست دادگاه‌های بدوی را در عدم توجه مسئولیت به وکیل یا نماینده در صدور چک پرداخت نشدنی تصحیح نموده است. به عنوان مثال می‌توان به دادنامه شماره ۸۱۲ تاریخ ۱۳۸۵/۶/۸ پرونده کلاسه ۷۹۲/۱۸/۸۵ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران اشاره نمود که در آن رأی دادگاه بدوی را که متضمن قرار عدم استماع بوده، نقض نموده است. در رای دادگاه تجدیدنظر می‌خوانیم: «دادنامه تجدیدنظرخواسته... مخالف قانون و اصول دادرسی است. زیرا در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک و اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود. بنابر این رسیدگی به دعوا، برابر قانون درخواست گردیده و دادگاه به استناد مواد ۲ و ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی موظف به رسیدگی و صدور حکم مقتضی می‌باشد...»<sup>۱</sup>

همین طور شعبه شش دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۳۹۱ کلاسه پرونده ۴۲۵/۶/۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۸ رای شعبه ۳۶ دادگاه عمومی تهران که دربردارنده قرار رد دعوا درخصوص دعوی علیه مدیرعامل شرکت تجارته بوده است را نقض نموده است. در رای دادگاه تجدیدنظر آمده است: «... علی‌رغم این که شرکت... با مسئولیت محدود بوده و شرکاء نسبت به میزان آورده در مقابل طلبکاران جواب‌گو و مسئول می‌باشند. لیکن به موجب ماده ۱۹ قانون صدور چک، مدیرعامل شرکت با داشتن نمایندگی از طرف شخص حقوقی که همان شرکت می‌باشد مبادرت به صدور چک‌های مذکور در حق

۱. رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان در امور مدنی، تدوین محمدرضا زندی، ص ۸۵ و ۸۶.

تجدیدنظر خواه نموده و از جهت پرداخت وجه آنها نسبت به دارنده، مسئولیت تضامنی دارد، بر این اساس دادگاه تجدیدنظر ضمن صدور حکم به نقض رأی معترض عنه، پرونده را برای رسیدگی ماهوی و اظهارنظر نسبت به آن عیناً به دادگاه بدوی اعاده می‌نماید...<sup>۲</sup> با توجه به آن چه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. برخلاف قواعد حاکم بر نمایندگی، که اصولاً آثار اعمال حقوقی دامن‌گیر منوب‌عنه می‌شود، به صورت استثنایی ماده ۱۹ قانون صدور چک، وکیل یا نماینده‌ای را که از طرف شخص حقوقی یا شخص حقیقی مبادرت به صدور چک می‌نماید در کنار منوب‌عنه یا موکل، مسئول دانسته است. در نتیجه دارنده چک با استفاده از مسئولیت تضامنی مقرر در ماده ۱۹ می‌تواند علیه امضاءکننده چک (وکیل یا نماینده) و شخص حقیقی یا حقوقی (موکل یا منوب‌عنه) دعوا اقامه نماید.

۲. در رأی مورد نقد دادگاه تجدیدنظر استان، با استناد به جدا بودن شخصیت حقوقی شرکت تجاری از شخصیت نماینده، مدیر شرکت را که از طرف شرکت مبادرت به صدور چک نموده است دارای مسئولیت ندانسته است. در حالی که نص صریح ماده ۱۹ که استثناء بر قاعده کلی است تردیدی در مسئول بودن امضاءکننده چک (وکیل یا نماینده) در کنار صاحب حساب (موکل یا منوب‌عنه) باقی نمی‌گذارد. در عین حال، صادرکننده چک از لحاظ کیفری نیز مسئولیت دارد و با شکایت دارنده چک، قابل تعقیب و مجازات می‌باشد.

۳- با توجه به این که بخشی از مقررات حاکم بر چک در قانون تجارت و پاره‌ای از مقررات آن در قانون صدور چک بیان شده است و با توجه به تاثیری که این پراکندگی مقررات در عدم توجه دادگاه‌ها به ماده ۱۹ و مسئولیت تضامنی صاحب حساب و نماینده یا وکیل صاحب حساب در صدور چک داشته است و هم‌چنین با توجه به نقص و ابهام

مقررات حاکم بر چک و نیز سایر اسناد تجاری، لازم است هر چه سریع‌تر مقررات حاکم بر اسناد تجاری در قانونی جامع و روشن پیش‌بینی گردد.

